

# تحلیل و تصحیح انتقادی رسالة الأحجار الشداد اثر فیض کاشانی

سیدحسین موسویان\*

سعید انواری\*\*

## چکیده

رسالة الأحجار الشداد رساله کوچکی از ملامحسن فیض کاشانی است که در ابطال نظریه جزء لایتجزأ (جوهر فرد) نگاشته شده است. این رساله که تا کنون منتشر نشده است، حاوی بیست و سه برهان در نفی جوهر فرد و پاسخ به هفت شبهه و استدلال طرفداران این نظریه است. تصحیح انتقادی حاضر بر اساس دو نسخه صورت گرفته است، که تا کنون تنها نسخه‌های شناخته شده از این رساله به‌شمار می‌آیند. هم‌چنین، در تحلیل محتوایی رساله، منابع اقتباسی فیض کاشانی در تدوین آن مشخص شده است.

**کلیدواژه‌ها:** فیض کاشانی، جوهر فرد، جزء لایتجزأ، نظام، ملاحظه‌ها.

\* عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران. Email: mousavian@irip.ir

\*\* عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی. Email: saced.anvari@atu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۶-۱۱-۹۰

پذیرش نهایی: ۳۰-۱۱-۹۰

## مقدمه

یکی از رساله‌های ملاً محسن فیض کاشانی (۱۰۰۶-۱۰۹۱ق) رساله‌ای است با عنوان *الأحجار الشداد* که در ردّ نظریه جوهر فرد (= جزء لایتجزأ) متکلمان نوشته شده است. از آنجا که این اثر تا کنون منتشر نشده است، این مقاله به تحلیل محتوایی و تصحیح انتقادی آن بر پایه تنها نسخه‌های خطی موجود از آن پرداخته است.

فیض کاشانی در متن این رساله، عنوان آن را «أحجار صلاب شداد» نامیده است؛ گرچه در نخستین فهرست خودنوشت مؤلفات وی<sup>۱</sup> از این رساله با عنوان «الأحجار الشداد والسیوف الحداد» یاد شده و در ابتدای نسخه‌هایی که مبنای این تصحیح قرار گرفته‌اند و نیز در دومین فهرست خودنوشت فیض کاشانی<sup>۲</sup> و *الذریعة*<sup>۳</sup>، عنوان آن «الأحجار الشداد والسیوف الحداد فی نفی الجواهر الأفراد» ضبط شده است.

فیض کاشانی می‌نویسد که این رساله را در دوران جوانی<sup>۴</sup> و با تلخیص آثار فلاسفه<sup>۵</sup> پدید آورده است. چنان‌که در ادامه نشان داده می‌شود، جز در یک مورد، وی در همه موارد از آثار ملاً صدرا بهره جسته است. وی درباره این رساله در نخستین فهرست خودنوشت خود می‌نویسد: «ومنها الرسالة الموسومة بـالأحجار الشداد والسیوف الحداد فی إبطال الجواهر الأفراد یشتمل علی عشرين حجة علی بطلان الأجزاء التي لایتجزأ وإزالة سبع شبهة فی ذلك، یقرّب فی ممتی بیت<sup>۶</sup> وقد ألفتها

۱. نک: ملاً محسن فیض کاشانی، *فهرست خودنوشت اول*. بخشی از: کتاب‌شناسی آثار فیض کاشانی، به کوشش: محسن ناجی نصرآبادی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی و مدرسه عالی شهید مطهری، تهران و مشهد، ۱۳۸۷: ۱۰۶.

۲. نک: فیض کاشانی، *فهرست خودنوشت دوم*، ۱۲۹.

۳. نک. آغابزرگ الطهرانی، *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*، مطبعة الغری، نجف، ۱۳۵۵، ج ۱: ۲۸۴.

۴. در یکی از نسخه‌ها: فی إبطال.

۵. نک: فیض کاشانی، *فهرست خودنوشت اول و دوم*، ۱۰۶ و ۱۲۹.

۶. نک: مقدمه فیض کاشانی بر رساله.

۷. در اصطلاح نسخه‌نویسی به جهل یا ینجاه حرف، یک «بیت» گفته می‌شود.

في عنفوان شبابي»<sup>۱</sup> و نیز در دومین فهرست از آثار خود می نویسد: «ومنها خمسة ألفتها في عنفوان الشباب لبعض الأحباب ... والأحجار الشداد والسيوف الحداد في نفي الجواهر الأفراد في مئتين»<sup>۲</sup>.

این رساله، از دو فصل تشکیل شده است. فصل نخست با عنوان: «الحجج القواطع» شامل بیست و سه برهان در ابطال نظریه «جزء لایتجزأ» (= جوهر فرد) و فصل دوم با عنوان «الشبهات المزلآت» به بیان هفت اشکال از طرف قائلان به جزء لایتجزأ و پاسخ به این اشکالات اختصاص دارد. در این فصل، هر اشکال و پاسخ آن با عنوان «شبهة وإزالة» مطرح شده است.

### شناسنامه نسخه‌ها

در کتاب‌شناسی آثار فیض کاشانی تنها دو نسخه از این رساله معرفی شده است<sup>۳</sup> که همان نسخه‌ها مبنای این تصحیح قرار گرفته‌اند. این نسخه‌ها عبارتند از:

۱. معج: نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی (دفتر هشتم از مجموعه شماره ۳۸۱۷) با عنوان: «الأحجار الشداد والسيوف الحداد في نفي الجواهر الأفراد»<sup>۴</sup> خط: شکسته نستعلیق؛ قطع: وزیری؛ تعداد سطر: ۱۶؛ تاریخ کتابت: ۱۱۴۰ق؛ کاتب: نصیرالدین سلیمان بن علم الهدی.

در انجامه این نسخه چنین آمده است: «تشرّف العبد المذنب المسیء نافله المصنّف العلامة - أعلى الله في فراديس الجنان مقامه - بكتابة هذه الرسالة نقلاً من خط والده الماجد - قدس الله سره القدسي - الذي نقله من خط والده المصنّف - طاب ثراه -

۱. فیض کاشانی، فهرست خودنوشت اول، ۱۰۶.

۲. فیض کاشانی، فهرست خودنوشت دوم، ۱۲۹.

۳. نک: محسن ناجی نصرآبادی، کتاب‌شناسی آثار فیض کاشانی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی و مدرسه عالی شهید مطهری، تهران و مشهد، ۱۳۸۷: ۱۳۷.

۴. نک: حاتری، فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مجلس، تهران، ۱۳۵۲، ج ۱: ۱۰۴: ۱۸۴۲.

وهذه صورة الخطّ في النسخة المنقول عنه: ... إلى هنا كلام والدي المصنّف - أدام الله بقاءه -؛ وكتبه بيده الجانية الفانية أقلّ عباد الله الملك المهيم علم الهدى بن محمد محسن ناقلاً من خطّه الشريف - أدام الله أيام إفاداته. ووقع الفراغ من كتابته ثامن شهر شعبان من شهور سنة سبع وخمسين وألف، وكان اشتغالي به عنه في يوم السبت عاشر شهر رجب المرجّب عام أربعين ومائة وألف في بلدتنا قاشان - صانها الله عن الجور والظلم والعدوان».

چنان‌که از عبارت فوق به دست می‌آید، این رساله را علم‌الهدی (فرزند فیض کاشانی) در سال ۱۰۵۷ق از روی نسخه اصلی رونویسی کرده‌است و سپس نسخه حاضر را فرزند وی (= نوه فیض) نصیرالدین سلیمان (ملقب به محسن) در سال ۱۱۴۰ق از روی نسخه پدر خود در شهر کاشان تهیه کرده‌است. هم‌چنین، از برگه نخستین این مجموعه مشخص می‌شود که نصیرالدین سلیمان بن علم‌الهدی بن محمد محسن، این نسخه را به همراه صد مجلد دیگر از تألیفات خاندان فیض، وقف کرده‌است.

۲. مر: نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (دفتر هفتم از مجموعه شماره ۱۶۰۱) با عنوان: «الأحجار الشداد والسيوف الحداد في إبطال جواهر الأفراد». خط: نسخ؛ قطع: وزیری؛ تعداد سطر: ۱۶؛ تاریخ کتابت: ۱۲۹۰ق.

### شیوه تصحیح

گرچه نسخه کتابخانه مجلس قدیمی‌تر از نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی است و نوه فیض کاشانی آن را کتابت کرده‌است، از آنجا که از نظر صحت نگارش، نمی‌توان آن را بر نسخه دیگر ترجیح داد، در تصحیح این رساله از شیوه التقاطی<sup>۲</sup> استفاده شده‌است. هم‌چنین، از آنجا که این رساله در حقیقت تلخیص و اقتباسی از دو کتاب الأسفار الأربعة و شرح الهدایة الأثریة از ملاحظه‌درا است، در تصحیح این اثر، از این دو کتاب نیز استفاده شده‌است. بدین جهت، در موارد لازم،

۱. نک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی، به کوشش سید احمد حسینی، قم، بی‌تا، ج ۴: ۱۷۶.

۲. نک: نجیب مایل هروی، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰: ۴۳۵.

ضبط‌های متفاوتِ شرح الهدایة و الأسفار را نیز در پانوشت آورده‌ایم.

### نگاهی به محتوای رساله

برهان‌های این رساله را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

الف) برهان‌های طبیعی (برگرفته از طبیعیات قدیم):

یک. از طریق حرکت؛

دو. از طریق پیوستگی اجسام؛

سه. از طریق تعدد جهات.

ب) برهان‌های هندسی (برگرفته از هندسه):

یک. از طریق تقسیمات هندسی؛

دو. از طریق مثلث قائم‌الزاویه؛

سه. از طریق دایره.

قائلان به نظریه جزء لایتجزاً خصوصیتی برای این اجزاء بیان کرده‌اند که برهان‌هایی که در ابطال آن‌ها ذکر شده‌است، ناظر به ابطال برخی از این خصوصیات است. خصوصیتی که در این رساله به آن‌ها اشاره شده‌است عبارتند از:

الف) جزء لایتجزاً قابل تقسیم خارجی نیست.

ب) جزء لایتجزاً قابل تقسیم ذهنی نیست.

ج) جزء لایتجزاً دارای حجم نیست.

د) تعداد این اجزاء نامحدود (بی‌نهایت) است. (این خصوصیت تنها از سوی یکی از متکلمان به نام «نظام» مطرح شده‌است.)

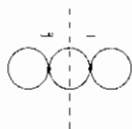
اکنون به بررسی محتوای برخی از برهان‌های مهم‌تر و نیز برخی از شبهات قائلان به جزء لایتجزاً و پاسخ‌های آن در این رساله می‌پردازیم:

### الف. برهان‌های ابطال جزء لایتجزاً

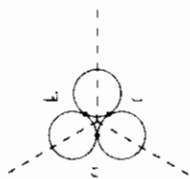
برخی از این برهان‌ها دارای اسامی خاصی هستند و هر یک برای باطل کردن

یکی از خصوصیات این اجزاء طراحی شده‌اند:

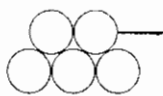
۱. برهان وسط و طرف: در صورتی که سه جزء لایتجزاً در کنار یکدیگر قرار گیرند، جزء میانی، در دو نقطه متفاوت با اجزاء کناری خود تماس خواهد داشت و از این رو، قابل تقسیم به دو بخش ذهنی راست و چپ است.<sup>۱</sup> این برهان را با بیانی دیگر در ابطال تسلسل علل نیز به کار برده‌اند.<sup>۲</sup> (برهان دوم رساله)



۲. برهان بر ملتی: در صورتی که جزئی بر روی دو جزء دیگر قرار گیرد، جزء فوقانی با دو جزء دیگر در دو نقطه متفاوت تماس خواهد داشت؛ و از این رو، قابل تقسیم ذهنی به دو بخش خواهد بود. (برهان سوم رساله)



۳. دو جزء را بر روی سه جزء دیگر حرکت، با نقاط مختلفی از سه جزء دیگر در تماس خواهند بود؛ و از این طریق می‌توان آن‌ها را به بخش‌هایی ذهنی تقسیم کرد. (برهان پنجم رساله)



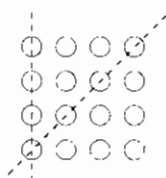
۴. برهان مقابله و محاذات: اگر به یک طرف صفحه‌ای که تنها از یک ردیف از این اجزاء ساخته شده باشد، نوری تابیده شود، طرف دیگر آن را روشن نخواهد کرد. از این رو، تمامی این اجزاء را می‌توان به دو بخش روشن و تاریک تقسیم نمود. (برهان ششم رساله)

روشن

۷ ۷ ۷ ۷ ۷ ۷ ۷ ۷ ۷ ۷

تاریک

۵. اگر تعدادی از اجزاء لایتجزاً را در چهار ردیف چهارتایی قرار دهیم، مرتباً پدید می‌آید که قطر و ضلع آن برابر چهار جزء است. می‌دانیم که از نظر هندسی پدید آمدن چنین مرتب‌محال است، چرا که قطر مربع باید بزرگتر از ضلع آن باشد؛<sup>۳</sup> در نتیجه،



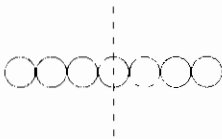
۱. نک: ابن سینا، الهیات دانشنامه علایی، تصحیح: محمد معین، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، همدان، ۱۳۸۳: ۱۶-۱۷.

۲. نک: فاطمه مینایی، «جزء لایتجزاً»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۲۳۸.

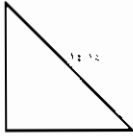
۳. باید توجه داشت که چنان‌که ابن سینا تذکر داده‌است (ابن سینا، الهیات دانشنامه علایی، ۱۹)، این شکل و تمامی اشکالی که درباره جواهر فرد رسم شده‌اند، جنبه آموزشی دارند و در حقیقت میان اجزاء

وجود این اجزاء صحیح نیست. (برهان هفتم رساله)

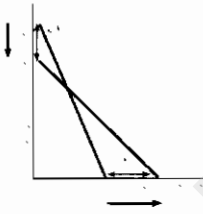
۶. با توجه به اینکه هر خطی را به روش‌های هندسی می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد، اگر خطی را که از تعداد فردی جزء لایتجزأ تشکیل شده‌است به کمک روش‌های هندسی به دو قسمت تقسیم کنیم، جزء میانی خط نیز به دو قسمت تقسیم خواهد شد. (برهان هشتم رساله)



۷. وتر مثلث قائم‌الزاویه‌ای که دو ضلع دیگر آن ده واحد باشند بر اساس قضیه فیثاغورث، برابر  $14/14 = \sqrt{200}$  است و بدین معنا است که از ۱۴ جزء لایتجزأ و ۱۴ صدم یک جزء تشکیل شده‌است؛ در نتیجه جزئی داریم که به اجزاء کوچک‌تر تقسیم شده‌است. (برهان دهم رساله)



۸. اگر چوبی را فرض کنید که به‌نحوی به دیوار تکیه داده شده‌است که وتر مثلث قائم‌الزاویه‌ای با اضلاع مساوی پنج واحد را تشکیل دهد. و سپس آن را به صورت شکل مقابل به اندازه یک واحد، بر روی زمین حرکت دهیم، به میزان  $1/17$  واحد بر روی دیوار حرکت خواهد کرد؛ در این صورت، جزئی خواهیم داشت که ۱۷ صدم یک جزء لایتجزأ است. (برهان دوازدهم رساله)



۹. اگر دایره‌ای متشکل از اجزاء لایتجزأ را در نظر بگیریم و شعاع‌هایی را رسم کنیم که از مرکز بر دو طرف یک جزء لایتجزأ مماس شده‌اند، مطابق شکل اگر فاصله میان دو شعاع را در سایر نقاط (مثلاً در میانه شعاع) در نظر بگیریم، این فاصله نه ممکن است مساوی یک جزء لایتجزأ باشد (زیرا دو شعاع موازی نیستند) و نه می‌تواند

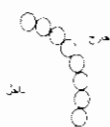
آنها فاصله‌ای وجود ندارد. زیرا از نظر فلاسفه اسلامی وجود خلاء محال است و لذا نمی‌توان فاصله‌ای نهی میان این اجزاء در نظر گرفت.

بیشتر از یک جزء لایتجزاً باشد (زیرا دو شعاع متقاطعند)؛ بنا بر این باید کمتر از یک جزء لایتجزاً باشد. (برهان چهاردهم رساله)

۱۰. برهان شاخص: اگر میله‌ای (شاخصی) را در زمین نصب کنیم، سایه‌ای خواهد داشت. در این حالت اگر خورشید در آسمان مسافتی را طی کند، سایه بر روی زمین مسافت کمتری را طی خواهد کرد؛ حال اگر خورشید در آسمان به میزان یک واحد (یک جزء لایتجزاً) حرکت کند، سایه تشکیل شده کمتر از یک واحد حرکت خواهد کرد.<sup>۱</sup> (برهان شانزدهم رساله)

۱۱. متحرک سریع و کند: اگر متحرک مریعی در پشت متحرک کندی قرار گرفته باشد، در زمانی که متحرک سریع یک واحد را طی می‌کند، متحرک کند کمتر از یک واحد را طی کرده‌است. (برهان هفدهم رساله)

۱۲. اگر اجزاء لایتجزایی را که یک دایره تشکیل داده‌اند در نظر بگیریم، این دایره صفحه را به دو بخش داخل دایره و بیرون آن تقسیم می‌کند. بدین ترتیب، وجه داخلی این اجزاء غیر از وجه خارجی آن‌ها خواهد بود و می‌توانیم این اجزاء را به صورت ذهنی، به دو بخش تقسیم کنیم. (برهان بیست و سوم رساله)



لازم به ذکر است که بیستمین و بیست‌ویکمین برهان در این رساله تنها به رد نظریه نظام پرداخته‌اند و اصل نظریه جوهر فرد را باطل نمی‌کنند. همچنین، بیست‌ودومین برهان، از ابداعات فیض کاشانی است.

### ب. دفع شبهات قائلان به جزء لایتجزاً

فیض کاشانی در ادامه این رساله، به هفت شبهه که از طرف قائلان به جزء لایتجزاً مطرح شده‌است، اشاره می‌کند و به دفع آن‌ها می‌پردازد. در این بخش، به تعدادی از این شبهات به‌همراه پاسخ‌های وی به‌کوتاهی اشاره می‌کنیم:

۱. شبهه: اگر یک جسم از تعداد محدودی جزء تشکیل نشده باشد و بتوانیم آن را تا بی‌نهایت تقسیم کنیم، باید یک دانه و یک کوه از نظر مقدار با یکدیگر



مساوی باشند؛ زیرا هر دو را می‌توان به بی‌نهایت جزء تقسیم کرد و چون اجزاء هر دو بی‌نهایت خواهند بود، این دو جسم (کوه و دانه) را می‌توان برابر دانست! (شبهه نخست رساله)

پاسخ: فلاسفه معتقد نیستند که یک جسم از بی‌نهایت جزء بالفعل تشکیل شده‌است. بلکه تنها قوه تقسیم جسم به بی‌نهایت جزء وجود دارد. حال اگر دانه و کوه را به میزان یکسان تقسیم کنیم، همیشه اجزاء دانه کوچک‌تر از اجزاء کوه خواهد بود.

۲. شبهه: اگر می‌توان یک جسم را به هر میزان قسمت کرد، باید بتوان یک دانه را به نحوی تقسیم کرد که اجزاء آن، کل سطح زمین را بپوشانند! (شبهه دوم رساله)

پاسخ: از آنجا که سطح زمین، متناهی است امکان پوشاندن آن توسط ذرات بسیار کوچک وجود دارد و لذا این سخن اشکالی پدید نمی‌آورد.

۳. شبهه: در صورتی که بتوان یک مسافت معین را به بی‌نهایت بخش تقسیم کرد، برای طی کردن یک مسافت، لازم است تا بی‌نهایت جزء طی شود که امری ناممکن است. (شبهه سوم رساله)

پاسخ: تقسیم مسافت به بی‌نهایت جزء تنها تقسیمی ذهنی و بالقوه است، نه امری بالفعل.

لازم به ذکر است که شبهات سوم و چهارم مطرح شده در این رساله با پارادوکس‌های زنون مشابهت دارند.<sup>۱</sup>

### منابع فیض کاشانی در تدوین رساله حاضر

از آنجا که اکثر استدلال‌های این رساله، از کتاب‌های شرح الهدایة الأثریة و الأسفار اقتباس شده‌است، در حقیقت این رساله را می‌توان جمع‌آوری برهان‌های

۱. نک: فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه، ترجمه: سیدجلال‌الدین مجنوی، سروش، تهران، ۱۳۸۰، ج ۱:

این دو کتاب در ابطال جزء لایتجزأ به شمار آورد. گرچه این احتمال نیز وجود دارد که منبع اصلی تهیة این رساله، تنها کتاب شرح الهدایة الأثریة باشد؛ چرا که اولاً تألیف این کتاب از نظر زمانی بر کتاب اسفار مقدم است و می‌توان مطالب آن را از منابع کتاب اسفار به شمار آورد؛ ثانیاً در برخی از برهان‌ها، مطالب ذکر شده شباهت بیشتری با این کتاب دارند تا با عبارت‌های کتاب اسفار. به عنوان مثال در «شبهة وازلة» شماره ۵، عبارت پردازی فیض کاشانی با کتاب اسفار اندکی متفاوت است؛ اما حتی همین تفاوت اندک نیز میان عبارت‌های وی و شرح الهدایة الأثریة مشاهده نمی‌شود و عبارت‌ها عیناً از این کتاب اقتباس شده‌اند. مشابهت میان عبارت‌های این رساله و دو کتاب فوق‌الذکر به حدی است که فیض کاشانی در یک مورد عبارت: «كما ستحقق إن شاء الله» را بدون التزام به مفاد معنایی آن، عیناً منعکس کرده است!

هم‌چنین، وی دو برهان این رساله را از کشکول شیخ بهایی اقتباس کرده است؛ فیض کاشانی درباره یکی از این برهان‌ها در حاشیه می‌نویسد: «هذه الحجّة لشیخنا البهائيّ العامليّ الحارثيّ الهمدانيّ قدّس الله سرّه القدّوسی». و چنان‌که پیش از این گفتیم تنها یک برهان (شماره ۲۲) از این رساله از خود فیض کاشانی است.

برهان‌های ذکر شده در این رساله، در منابع متقدم‌تر فلسفه اسلامی نیز ذکر شده‌اند؛ اما از آنجا که این براهین را فیض اکثراً از آثار ملاًصدرا و شیخ بهایی اقتباس کرده است، در اینجا به منبع هر یک از این برهان‌ها — به ترتیبی که در متن رساله آمده است — فقط در آثار آن دو تن اشاره می‌شود. فیض کاشانی اکثر مطالب را به صورت تلخیص شده و در مواردی با تغییر برخی از عبارات ذکر کرده است که به آن‌ها اشاره می‌شود؛ و نیز مواردی را که بدون هیچ‌گونه تغییری آورده است، مشخص کرده‌ایم.

#### الف) منابع بخش نخست رساله

۱. شرح الهدایة الأثریة، ص ۱۶؛ الأسفار، ج ۵، ص ۲۵.
۲. شرح الهدایة الأثریة، ص ۱۳؛ الأسفار، ج ۵، ص ۲۶.

۱. به عنوان مثال نک: ابن سینا، الشفاء، الطبیعیات، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۸۸-۲۰۲.

۳. شرح الهدایة الأثریة، ص ۱۳؛ الأسفار، ج ۵، ص ۲۶.
۴. الأسفار، ج ۵، ص ۲۶.
۵. الأسفار، ج ۵، ص ۳۰.
۶. شرح الهدایة الأثریة، ص ۱۶؛ الأسفار، ج ۵، ص ۲۶.
۷. شرح الهدایة الأثریة، ص ۱۶؛ الأسفار، ج ۵، ص ۳۰.
۸. شرح الهدایة الأثریة، ص ۱۵، ش ۵ و ۷.
۹. شرح الهدایة الأثریة، ص ۱۵، ش ۶؛ الأسفار، ج ۴، ص ۱۳۶.
۱۰. شرح الهدایة الأثریة، ص ۱۴، ش ۱.
۱۱. شرح الهدایة الأثریة، ص ۱۵، ش ۴.
۱۲. شرح الهدایة الأثریة، ص ۱۵، ش ۳؛ الأسفار، ج ۵، ص ۳۱.
۱۳. الأسفار، ج ۴، ص ۱۳۶.
۱۴. الكشكول، ج ۲، ص ۲۱۱ (مشابهت كامل؛ وی در حاشیه رساله، این استدلال را از شیخ بهائی دانسته است).
۱۵. الكشكول، ج ۲، ص ۲۶۲-۲۶۳.
۱۶. شرح الهدایة الأثریة، ص ۱۶؛ الأسفار، ج ۵، ص ۳۱.
۱۷. الأسفار، ج ۵، ص ۳۶.
۱۸. الأسفار، ج ۵، ص ۳۶ (مشابهت كامل).
۱۹. شرح الهدایة الأثریة، ص ۱۶؛ الأسفار، ج ۵، ص ۳۵-۳۶.
۲۰. الأسفار، ج ۵، ص ۳۵ (در اسفار تنها به این دلیل اشاره شده است و جزئیات آن ذکر نشده است. این دلیل به طور خاص در ردّ نظریه نظام مطرح شده است).
۲۱. شرح الهدایة الأثریة، ص ۱۹؛ الأسفار، ج ۵، ص ۳۵ (در اسفار تنها به این دلیل اشاره شده است. این دلیل نیز به ردّ نظریه نظام می پردازد).
۲۲. چنان که مؤلف تصریح می کند، این برهان از خود فیض کاشانی است.

۲۳. شرح الهدایة الأثریة، ص ۱۶؛ (وجه برهانی و نیز وجه جدلی استدلال، با مختصری تلخیص، از این کتاب اقتباس شده است؛ گرچه به نظر می‌رسد که ملاحظه‌کنندگان نیز آن را از اثرالدین ابهری اخذ کرده‌است)؛ الأسفار، ج ۴، ص ۱۳۵ (در اسفار تنها به این دلیل به نحو اجمالی اشاره شده‌است).

### ب) منابع بخش دوم رساله

۱. شرح الهدایة الأثریة، ص ۱۶؛ الأسفار، ج ۵، ص ۳۷.
۲. شرح الهدایة الأثریة، ص ۱۹؛ الأسفار، ج ۵، ص ۳۸.
۳. شرح الهدایة الأثریة، ص ۲۰؛ الأسفار، ج ۵، ص ۳۸.
۴. شرح الهدایة الأثریة، ص ۲۰.
۵. شرح الهدایة الأثریة، ص ۲۰؛ الأسفار، ج ۵، ص ۳۹.
۶. شرح الهدایة الأثریة، ص ۲۱؛ الأسفار، ج ۵، ص ۴۰-۴۱.
۷. شرح الهدایة الأثریة، ص ۲۱؛ الأسفار، ج ۵، ص ۴۲-۴۳.



### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن‌سینا، الهیات دانشنامه علانی، تصحیح: محمد معین، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، همدان، ۱۳۸۳ ش.
۳. \_\_\_\_\_، الشفاء، الطبیعیات، تصحیح: ابراهیم مدکور و محمود قاسم، دارالکتب العربی، قاهره، افست کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۴. حائری، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، کتابخانه مجلس، تهران، ۱۳۵۲ ش.
۵. آغابزرگ الطهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، مطبعة الغری، نجف، ۱۳۵۵ق.
۶. شیخ بهایی، الکشکول، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۷. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی، جلد چهارم، به کوشش: سیداحمد حسینی، قم، بی‌تا.
۸. فیض کاشانی، ملامحسن، الأحجار الشداد و السیوف الحداد فی نفي الجواهر الإفراء، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مجموعه شماره: (۸) ۳۸۱۷.

۹. \_\_\_\_\_، الأحجار الشداد والسيوف الحداد في إبطال جواهر الإفراق نسخة خطية كتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، مجموعه شماره: (۷) ۱۴۰۱.
۱۰. \_\_\_\_\_، فهرست خودنوشت فیض کاشانی، بخشی از: کتاب شناسی آثار فیض کاشانی، به کوشش: محسن ناجی نصرآبادی، بنیاد پژوهش های اسلامی و مدرسه عالی شهید مطهری، تهران و مشهد، ۱۳۸۷ش.
۱۱. کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، جلد اول: یونان و روم، ترجمه: سیدجلال الدین مجتبی، سروش، تهران، ۱۳۸۰ش.
۱۲. مایل هروی، نجیب، تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه های خطی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ش.
۱۳. ملاصدر، محمد بن ابراهیم، الأسفار ( الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة )، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۳ق.
۱۴. \_\_\_\_\_، شرح الهدایة الأثریة، چاپ سنگی، به خط میرزا عبدالکریم شیرازی، تهران، ۱۳۱۳ق.
۱۵. مینایی، فاطمه، «جزء لایتجزأ»، دانشنامه جهان اسلام، جلد دهم، دانشنامه جهان اسلام، تهران، ۱۳۸۵ش.
۱۶. ناجی نصرآبادی، محسن، کتاب شناسی آثار فیض کاشانی، بنیاد پژوهش های اسلامی و مدرسه عالی شهید مطهری، تهران و مشهد، ۱۳۸۷ش.

